

# دکتر دیوید ال. متیوسون، الهیات عهد جدید

## جلسه ۴، آفرینش، سرزمین، تفریح در عهد جدید

### بخش ۱،

دیو متیوسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

من دکتر دیو متیوسون هستم در مجموعه سخنرانی‌هایم در مورد الهیات عهد جدید. این جلسه چهارم، خلقت، سرزمین، تفریح در عهد جدید، بخش ۱ است.

ما به موضوع کتاب مقدسی-الهیاتی خلقت، خلقت جدید و سرزمین پرداخته‌ایم.

و من داشتم به شواهد عهد عتیق نگاه می‌کردم. کاری که الان می‌خواهم انجام دهم این است که تأکید عهد جدید بر خلقت، خلقت جدید و سرزمین را در نظر بگیرم. و ما قبلاً به این موضوع اشاره کرده‌ایم که وقتی به عهد عتیق نگاه می‌کنید، به ویژه پیش‌بینی‌های نبوی از تحقق این امر که در آن خداوند قوم خود را به سرزمین، به خلقت، در تحقق قصد خدا برای خلقت در پیدایش ۱ و ۲ بازمی‌گرداند، و همچنین وعده خدا به ابراهیم برای دادن سرزمین به او، که خود تحقق یا به معنای احیای وعده‌های خدا در مورد خلقت اول بود.

وقتی از منظر انتظارات نبوی در عهد جدید به آن نگاه می‌کنیم، همانطور که قبلاً انجام داده‌ام، هنوز تنشی وجود ندارد. یعنی خواهیم دید که وعده‌های خلقت جدید، قصد خدا برای خلقت برای دادن سرزمینش به اسرائیل، به قضاوت من، در مسیح محقق شده است، اگرچه هنوز منتظر کمال نهایی یا هنوز نرسیده است که به نظر من در خلقت جدید، چه از نظر جسمی و چه از نظر روحی، اتفاق می‌افتد. حال، کاری که می‌خواهم در حین بررسی عهد جدید انجام دهم این است که به بخش‌های مختلف عهد جدید نگاه کنیم و با انجیل‌ها شروع کنیم.

ما به ادبیات پولس و برخی از بخش‌های دیگر عهد جدید نگاهی خواهیم انداخت و سپس با کتاب مکاشفه و آنچه در مورد خلقت جدید، خلقت در سرزمین و وعده‌های تحقق یافته می‌گوید، به اوج خواهیم رسید. با شروع از انجیل‌ها، اگرچه نه به طور مستقیم، فکر می‌کنم که ایده عیسی به عنوان پسر داوود هنوز به مسئله سرزمین مرتبط است. حال، در متی فصل ۱ و آیه ۱، نویسنده، در همان ابتدا، در همان ابتدای انجیل خود اشاره می‌کند که چگونه می‌خواهد عیسی را در بقیه انجیل‌ها به تصویر بکشد، جایی که او را به عنوان پسر داوود و پسر ابراهیم به تصویر می‌کشد.

و ما قبلاً اشاره کردیم که وعده‌های سرزمین به ابراهیم داده شد. اما با نامیدن عیسی به عنوان پسر داوود طبق عهد عتیق، به متون متعددی نگاه کرده‌ایم که در آنها پسری از داوود بر تخت سلطنت خواهد نشست، و وقتی او بر تخت سلطنت بنشیند، این اتفاق در زمان بازگشت قوم به سرزمین رخ خواهد داد. بنابراین برای مثال، در متی که به طور خلاصه در حزقیال ۳۶ و ۳۷ به آن نگاه کردیم، روایتی از انتظار پیامبر از روزی بود که خداوند قوم خود را به سرزمینی که خدا به ابراهیم و پدران او وعده داده بود، بازگرداند.

اما ما زبان عدن را نیز در آن دیدیم، جایی که خدا قوم را از تبعید به سرزمینشان بازمی‌گرداند تا وعده‌های ابراهیم را محقق کند، اما در تحقق وعده‌های خلقت اولیه. اما بخشی از آن در فصل ۳۷ و آیه ۲۴ یافت می‌شود، جایی که این را می‌خوانیم: بنده من داوود بر آنها پادشاه خواهد بود و همه آنها یک شبان خواهند داشت. آنها از قوانین من پیروی خواهند کرد و مراقب خواهند بود که فرامین مرا حفظ کنند.

آنها در سرزمینی که به بندهام یعقوب دادم، سرزمینی که پدرانتان در آن ساکنند، ساکن خواهند شد. آنها و فرزندان و فرزندان فرزندان تا ابد در آنجا زندگی خواهند کرد و بندهام داوود تا ابد رئیس آنها خواهد بود. این آیه ۲۵ بود.

بنابراین، توجه کنید که چگونه زندگی در سرزمین و بازگشت به سرزمین، در چارچوب و با حکومت داوود بر مردم مرتبط است. بنابراین، و می‌توانم بگویم، می‌توانیم به فصل دوم مزمور و مزمور ۸۹ برگردیم، جایی که پادشاه داوود قرار بود تمام اقصی نقاط زمین را به عنوان میراث خود داشته باشد. بنابراین، به نظر من همانطور که عهد جدید را می‌خوانم، اگر مسیح به عنوان پادشاه داوود حکومت می‌کند، که تعدادی از متون عهد جدید می‌گویند که او چنین است، این نشان می‌دهد که بازگشت به سرزمین، به نوعی، در حال حاضر در حال وقوع است.

یعنی، خلقت جدید از قبل آغاز شده است. وعده‌های سرزمین، وعده‌هایی که خدا به قوم خود داده است از قبل آغاز شده‌اند، زیرا دوباره، وقتی داوود به عنوان پادشاه بر تخت سلطنت بنشیند، این اتفاق در زمانی رخ خواهد داد که قوم خدا به سرزمین خود بازگردند. متون متعددی وجود دارد که به وضوح نشان می‌دهد، که عیسی مسیح در عهد جدید اکنون به عنوان یک پادشاه مسیحایی، به عنوان پادشاهی از نسل داوود سلطنت می‌کند.

ما به فصل اول و آیه اول انجیل متی نگاهی انداختیم. تنها کاری که باید انجام دهیم این است که موضوع پادشاهی خدا را در سراسر انجیل‌ها یا عیسی را به عنوان پسر داوود در سراسر انجیل‌ها ردیابی کنیم. متی، این یکی از توصیف‌های مورد علاقه متی برای عیسی، پسر داوود است.

اما حتی دیگران برای تأیید این موضوع، فراتر از انجیل می‌روند؛ برای مثال، در کتاب عبرانیان و در فصل اول، نویسنده به وضوح عیسی را تحقق وعده‌های داوود از مزامیر و تا دوم سموئیل ۷:۱۴ می‌بیند. بنابراین فصل اول عبرانیان از آیه دوم شروع می‌شود، اما در این روزهای آخر، او از طریق پسرش با ما سخن گفته است، پسری که او را وارث همه چیز قرار داده و از طریق او جهان را آفریده است. پسر، درخشش جلال خداست، نمایانگر دقیق وجود اوست که همه چیز را با کلام قدرتمند خود حفظ می‌کند.

پس از آنکه گناهان را پاک کرد، در آسمان در دست راست جلال نشست. عبارت نشستن در دست راست مستقیماً از مزمور ۱۱۰ آمده است که مزمور دیگری درباره مسیح یا مزمور دیگری است که به حاکم یا پادشاه داوود اشاره دارد. و سپس بعداً در همان فصل از عبرانیان، فصل اول و آیات پنج تا چهار، خدا به کدام یک از فرشتگان گفته است که تو امروز پسر من هستی، من پدر تو شده‌ام.

یا، دوباره، من پدر او خواهم بود و او پسر من خواهد بود. متوجه خواهید شد که اینها دوباره نقل قول‌هایی از دوم سموئیل ۷:۱۴ و همچنین مزمور فصل دوم هستند که هر دو متونی آشکارا مسیحایی هستند بنابراین، نویسنده عبرانیان به وضوح عیسی را پسر داوود، کسی که وعده‌های داوود را به تحقق و پایان می‌رساند، می‌رساند.

برای مثال، شاهد اتفاق مشابهی در نوشته‌های پولس در افسسیان فصل اول، افسسیان فصل اول و آیات هستیم و در ادامه به عیسی، رستاخیز و تعالی او اشاره می‌کنیم. عبارت آخر آیه ۱۹ را می‌خوانم، آن ۲۰ قدرتی که خدا اعمال کرد، آن قدرت مانند عملکرد نیروی عظیم اوست، که او، که خدا در مسیح اعمال کرد، هنگامی که خدا او، عیسی، را از مردگان برخیزانید و او را در دست راست خود در قلمروهای آسمانی نشانند - اشاره دیگری به مزمور، مزمور فصل ۱۱۰، مزمور داوود.

بنابراین، من ادامه می‌دهم و بسیار فراتر از هر حکومت و اقتدار، قدرت و سلطه، و هر عنوانی که می‌توان نه تنها در عصر حاضر، بلکه در عصر آینده نیز به او داد، می‌خوانم. و خدا همه چیز را زیر پای او قرار داد اشاره‌ای به مزمور فصل هشتم، که تجلی از نیت ایده‌آل خدا برای آدم است تا بر تمام آفرینش حکومت کند.

اکنون عیسی با قرار دادن همه چیز زیر پاهایش، آن نقش را ایفا می‌کند تا سر همه چیز برای کلیسا باشد، که بدن اوست، یعنی تمامیت او که همه چیز را از هر نظر پر می‌کند. بنابراین، در افسسیان، فصل اول نویسنده بدون نقل قول از متن، به وضوح به مزمور ۱۱۰، یک مزمور مسیحایی، و همچنین مزمور هشتم اشاره می‌کند، که مزموری است که خلقت اولیه در پیدایش را جشن می‌گیرد، جایی که آدم قرار بود بر تمام خلقت حکومت کند و به عنوان حامل تصویر خدا بر تمام خلقت حکومت کند. اکنون، عیسی مسیح، که به آسمان صعود کرده، به آسمان صعود کرده و تعالی یافته و بر تخت آسمانی خود نشسته است، اکنون وارد حکومت سلطنتی خود شده است و فکر می‌کنم در تحقق مزمور ۱۱۰، مزمور دوم و غیره آغاز می‌شود.

مزمور هشتم اکنون شروع به تحقق بخشیدن به نیت مزامیر می‌کند که مسیح حکومت خود را بر تمام خلقت گسترش خواهد داد. بنابراین، به طور خلاصه، اگر مسیح به عنوان حاکم مسیحایی منصوب شده باشد، در عبرانیان ۱، افسسیان ۱ و تعدادی دیگر از متون، اگر مسیح به عنوان حاکم مسیحایی منصوب شده باشد، پس او در حال گسترش حکومت خود و گسترش مرزها فراتر از سرزمین فلسطین است تا تمام زمین را در بر بگیرد، در تحقق مزامیر و تحقق سایر متون عهد عتیق. بنابراین، من اینطور برداشت می‌کنم که هدف سرزمین اسرائیل در نهایت گسترش، در بر گرفتن و در بر گرفتن تمام خلقت بود.

و اکنون این امر در پسر بزرگتر داوود، که عیسی مسیح است، محقق شده است. بنابراین، من فکر می‌کنم مضمون عیسی، پسر داوود، حداقل به طور ضمنی، به تحقق وعده‌های سرزمین نیز اشاره دارد. باز هم، با توجه به متن مزمور، برخی از متون نبوی که در آنها پسر داوود زمانی که اسرائیل به سرزمین خود بازگردانده شود، سلطنت خواهد کرد، جایی که او سلطنت خود را بر تمام خلقت گسترش خواهد داد، جایی که او تمام خلقت را به ارث خواهد برد، نه فقط سرزمین فلسطین، به من نشان می‌دهد که اگر عیسی پسر داوود است و وارد حکومت پادشاهی خود شده است، همانطور که عبرانیان و انجیل نشان می‌دهند، همانطور که عبرانیان و نامه‌های پولس نشان می‌دهند، پس حکومت خدا، حکومت داوود اکنون در حال گسترش است تا اقصی نقاط زمین و نه فقط سرزمین فلسطین را در بر بگیرد.

حکومت خدا، حکومت داوود بر فلسطین در عهد عتیق، در نهایت به معنای نشان دادن قصد خدا برای گسترش آن حکومت بر کل خلقت بود. نشانه دیگری که نشان می‌دهد خلقت جدید از قبل فرا رسیده است، این است که گرگ بیل در الهیات عهد جدید خود نشان داده است، به نظر من، وعده عیسی در مورد زندگی ابدی در انجیل‌ها، احتمالاً همچنین، به ویژه در انجیل یوحنا، جایی که عبارت زندگی ابدی بارها تکرار می‌شود، وعده عیسی در مورد زندگی ابدی، به ویژه در انجیل یوحنا، آغاز خلقت جدید است، آغاز زندگی خلقت جدید است. به عنوان مثال، به اشعیا فصل ۶۵ برگردید، متنی که قبلاً خوانده‌ایم.

در زمینه خلقت جدید، و همچنین با بازگشت به فصل‌های ۱ و ۲ پیدایش، در زمینه درخت حیات، به عنوان نمادی از قصد خدا برای بخشیدن حیات به قوم خود، در اشعیا فصل ۶۵، در زمینه خلقت جدید، متوجه می‌شویم که آنچه آن را مشخص می‌کند، فقدان مرگ یا حیات زودرس است. ما حتی در آن عبارت در آیه به ترجمه سپتوآجینت اشاره کردیم؛ من معتقدم که آنجا که می‌گوید مانند درخت، آنها مانند یک درخت ۲۰ خواهند بود، همینطور است؛ ترجمه سپتوآجینت، ترجمه یونانی عهد عتیق، اضافه می‌کند، مانند یک درخت حیات. بنابراین، نکته این است که حیات، مشخصه خلقت‌های جدید است.

حیات خلقت جدید، نمادی از تعلق به آسمان‌ها و زمین جدید، خلقت جدید اشعیا ۶۵ است. حال، از طریق حیات جاودانی که عیسی اکنون به قوم خود ارائه می‌دهد، به ویژه در انجیل یوحنا، این رستاخیز، این حیات، این غلبه بر مرگ، نشانه‌ای از حضور خلقت جدید است. بنابراین، وعده حیات جاودان عیسی اساساً وعده حیاتی است که به خلقت جدید، اشعیا ۶۵، حزقیال ۳۷ و تعدادی دیگر از متون نیز تعلق دارد.

در واقع، رستاخیز خود عیسی، همانطور که بعداً خواهیم دید، به خصوص در نامه‌های پولس، آغاز حیات خلقت جدید و آغاز خود خلقت جدید است. بنابراین، بدن عیسی اولین بدن فیزیکی بود که از خلقت قدیم به خلقت جدید منتقل شد، بدنی که برای وجود در حیات در خلقت جدید مناسب بود. بنابراین، بدن فیزیکی خود عیسی، به یک معنا، آغاز فیزیکی و به معنای واقعی کلمه خلقت جدید بود، به این معنی که رستاخیز خود عیسی آغاز آنچه وعده داده شده بود، زندگی وعده داده شده تحت خلقت جدید در عهد عتیق بود.

یک متن جالب دیگر، فقط برای ذکر، تعدادی متن دیگر وجود دارد که می‌توانیم به آنها اشاره کنیم، اما در متن انجیل‌ها و در متن مرگ و رستاخیز خود عیسی، آن متن بسیار جالب را در انتهای متی، در متی فصل آیات ۵۱ و ۵۲ دارید. این در متن مرگ عیسی در فصل ۲۷ است که سپس روایت رستاخیز او در متی ۲۷ آمده است. اما از ۵۱ و ۵۲ تا آیه ۵۳، یک سری اتفاقات بسیار جالب هنگام مرگ عیسی رخ می‌دهد، از ۲۸ آیه ۵۱ شروع می‌شود، در آن لحظه، پرده معبد از بالا به پایین دو پاره شد، زمین لرزید و سنگ‌ها شکافتند، مقبره‌ها باز شدند و اجساد بسیاری از مقدسین که مرده بودند، زنده شدند.

آنها از مقبره‌ها بیرون آمدند و پس از رستاخیز عیسی، به شهر مقدس رفتند و برای بسیاری از مردم ظاهر شدند. حال، من علاقه‌ای به پرداختن به تمام جزئیات آنچه دقیقاً در حال وقوع است و چگونگی درک تجربی یا فیزیکی ما از این موضوع ندارم، اما به نظر می‌رسد که در یک سطح، نکته این است که ما در اینجا، در نتیجه مرگ و رستاخیز عیسی، فروپاشی کیهان قدیم، این اشاره به لرزش زمین و شکافتن سنگ‌ها، و سپس آغاز خلقت جدید توسط مردمی که واقعاً زنده می‌شوند را می‌بینیم. بنابراین، این روایت نسبتاً عجیب در پایان متی ۲۷، هر برداشتی که از آن داشته باشید، در زمینه مرگ و رستاخیز عیسی، فکر می‌کنم در یک سطح، روش متی برای نشان دادن این است که مرگ و رستاخیز عیسی، آغاز خلقت جدید است.

این مستلزم فروپاشی کیهان قدیمی و آغاز خلقت جدید است، همانطور که با رستاخیز نشان داده شده است. در واقع، رستاخیز از مردگان و حیات یکی از ویژگی‌های کلیدی خلقت جدید است. بنابراین، وقتی عیسی از مردگان برمی‌خیزد، این نه تنها غلبه عیسی بر مرگ است، بلکه، همینطور است، بلکه عیسی نیز از طریق رستاخیز خود، حیات خلقت جدید را آغاز می‌کند.

بنابراین، وقتی به انجیل‌ها نگاه می‌کنیم، در عهد عتیق می‌بینیم که اول از همه، وعده‌هایی که به اسرائیل داده شده بود مبنی بر بازگرداندن آنها به سرزمینشان، با پادشاهی از نسل داوود همراه بود که بر آنها حکومت خواهد کرد و پادشاه داوود، حکومت را گسترش خواهد داد و مرزها را تا تمام خلقت گسترش خواهد داد. که در واقع قرار بود در باغ عدن نیز چنین باشد. وظیفه آدم گسترش حکومت خدا بر تمام خلقت بود. بنابراین، در عهد جدید، می‌بینیم که به نظر می‌رسد وعده‌های مربوط به سرزمین با عیسی مسیح محقق شده است، کسی که به عنوان پسر داوود، اکنون از طریق مرگ و رستاخیز و تعالی خود به بهشت، اکنون بر تمام کیهان سلطنت می‌کند، به طوری که حکومت خدا اکنون در حال گسترش بر کل کیهان است.

اما، همانطور که گفتیم، بُعدی وجود دارد که هنوز به آن نرسیده‌ایم؛ اگرچه عیسی در حال حاضر به عنوان پادشاه داوود سلطنت می‌کند و حکومت خود را بر تمام خلقت گسترش می‌دهد، اما هنوز روزی وجود دارد که این امر سرانجام در خلقت جدید مکاشفه ۲۱ و ۲۲ محقق شود. حال، احتمالاً می‌توانیم چیزهای بیشتری در مورد انجیل‌ها بگوییم، اما فکر می‌کنم به اندازه کافی نشان داده‌ایم که عناصر کلیدی انجیل‌ها نشان

می‌دهند که عیسی وعده‌های خلقت، خلقت جدید و سرزمین را از طریق پادشاهی داوود و از طریق مرگ و رستاخیز خود آغاز می‌کند. وقتی به رساله‌های پولس می‌پردازیم، اغلب زبان صریحی در مورد سرزمین یا خلقت جدید نمی‌یابیم، اما اغلب می‌بینیم که پولس به عناصر خاصی که به وضوح با واقعیت‌های خلقت جدید یا با وعده سرزمین یا وعده خلقت جدید آینده مرتبط هستند، متوسل می‌شود یا در مسیح تحقق می‌یابد.

اگرچه، ما به متنی که پولس در دوم قرن‌تین از زبان خلقت جدید استفاده می‌کند، به وضوح استفاده می‌کند، نگاهی خواهیم انداخت و کمی در مورد چگونگی برخورد با آن صحبت خواهیم کرد. اما رساله‌های پولس، که دوباره با رومیان شروع می‌شود، نسبتاً گزینشی خواهد بود. من نمی‌خواهم به تک تک جزئیات و ریزترین نکات نامه‌های پولس بپردازم، اما بر روی چند متن برجسته و حیاتی در مورد موضوع زمین و خلقت جدید و چگونگی تحقق آن تمرکز می‌کنم.

رومیان ۶-۸ اولین بخشی است که می‌خواهم روی آن مکث کنم و دوباره؛ به چند عنصر آن نگاه خواهیم کرد، اما به طور گسترده‌تر، اینکه چگونه می‌توان موضوع خلقت جدید را بیان کرد. اول از همه، در رومیان با رومیان ۶ شروع می‌کنم، و فقط می‌خواهم چند آیه اول، شاید ۶-۸ آیه از رومیان ۶ را بخوانم. در این ۶ آیات، فکر می‌کنم پولس ما را با واقعیت‌های خلقت جدید آشنا می‌کند که به واسطه پیوستن به مسیح محقق شده‌اند. بنابراین، با شروع از فصل ۶ و آیه ۱، چه خواهیم گفت؟ آیا باید به گناه کردن ادامه دهیم تا فیض افزون شود؟ ما به هیچ وجه از گناه نمردیم. چگونه می‌توانیم دیگر در آن زندگی کنیم؟ یا نمی‌دانید که همه ما که در مسیح عیسی تعمید یافتیم، در مرگ او تعمید یافتیم؟ بنابراین، ما از طریق تعمید در مرگ با او دفن شدیم تا همانطور که مسیح از طریق جلال پدر از مردگان برخاست، ما نیز بتوانیم زندگی جدیدی داشته باشیم.

اگر ما در مرگ او اینگونه با او متحد شده‌ایم، مطمئناً در رستاخیزش نیز با او متحد خواهیم بود. زیرا می‌دانیم که انسانیت کهنه ما با او مصلوب شد تا جسد گناه از بین برود و دیگر برده گناه نباشیم، زیرا هر که مرده است از گناه آزاد شده است. حال، اگر با مسیح بمیریم، ایمان داریم که با او نیز زندگی خواهیم کرد.

زیرا می‌دانیم که چون مسیح از مردگان برخاست، دیگر نمی‌تواند بمیرد. مرگ دیگر بر او تسلطی ندارد. مرگی که او مرد؛ او یک بار برای همیشه مرد.

اما زندگی‌ای که او زیست می‌کند، برای خدا زیست می‌کند. حال، چیزی که می‌خواهم در این بخش بر آن تأکید کنم دو چیز است. اول، یک بار دیگر، توجه کنید که چگونه رستاخیز خود مسیح با تازگی و حیات مرتبط است، که باز هم فکر می‌کنم روش عهد جدید برای بیان این است که وعده خلقت جدید آغاز شده است.

در طول این متن، به عنوان یک پاورقی، متوجه خواهید شد که من تمایز دقیقی بین خلقت، خلقت جدید و سرزمین قائل نیستم. من همه اینها را به طور تنگاتنگی به هم مرتبط می‌دانم. اما در اینجا، دوباره فکر می‌کنم به نظر می‌رسد که پولس به حیات خلقت جدیدی که اکنون با رستاخیز عیسی مسیح آغاز شده است، اشاره می‌کند.

اما توجه داشته باشید که پولس همچنین اشاره می‌کند که ما نیز در آن حیات رستاخیزی سهیم هستیم، یا به واسطه پیوستن به مسیح در آن خلقت جدید سهیم هستیم. بنابراین، ما با مسیح برخیزانیده شده‌ایم تا بتوانیم در تازگی حیات گام برداریم. و باز هم، من فکر می‌کنم که کلمه تازگی فقط یک اصطلاح کیفی جالب نیست، بلکه فکر می‌کنم احتمالاً منعکس کننده زبان خلقت جدید از عهد عتیق است.

بنابراین، از آنجا که ما با ایمان به مسیح متحد شده‌ایم، به این معنی است که با رستاخیز او نیز متحد شده‌ایم. و به همین دلیل، در حیات خلقت جدید مشارکت می‌کنیم. بنابراین، به یک معنا، یک عنصر فیزیکی در خلقت جدید وجود دارد، به این صورت که بدن رستاخیز یافته خود عیسی، فیزیکی است.

اکنون، ما با اتحاد با او، از نظر روحانی در آن سهیم هستیم، اما با این وجود، به دلیل پیوستن به مسیح در رستاخیزش، از نظر روحانی در حیات رستاخیزی خلقت جدید مشارکت داریم. بنابراین، ما با پیوستن به مرگ مسیح، که آن را به پایان رساند، از خلقت قدیمی و مرگ رهایی یافته‌ایم. و اکنون ما در خلقت جدید، یعنی حیات رستاخیزی خلقت جدید، شرکت داریم که به دلیل پیوستن به مسیح از آن نیز بهره‌مند می‌شویم.

بنابراین، مرگ مسیح به عنوان پایان دادن به خلقت کهنه و به ویژه تسلط آن تلقی می‌شود. با رستاخیز دوباره، مسیح نه تنها مرگ را شکست می‌دهد، بلکه خلقت جدیدی را نیز آغاز می‌کند. و سپس ما به آن می‌پیوندیم و با پیوستن به کسی که واقعاً از مردگان برخاسته و زندگی خلقت جدید را تجربه کرده است، از نظر معنوی در آن مشارکت می‌کنیم.

و به واسطه‌ی پیوستن به او، ما نیز از نظر معنوی در آن سهیم هستیم. متن دیگری که احتمالاً به آن اشاره دارد، فکر می‌کنم، به واقعیت‌های خلقت جدید نیز اشاره دارد، و فکر می‌کنم حتی به طور ضمنی وعده‌های سرزمین داده شده به اسرائیل را تداعی می‌کند، در رومیان فصل ۸ یافت می‌شود. یکی از عباراتی که پولس چندین بار در رومیان فصل ۸ استفاده می‌کند، زبان روح حیات یا روحی است که حیات می‌بخشد. اجازه دهید فقط چند آیه از فصل ۸ را بخوانم. من از آیات ۹ و بعد از رومیان فصل ۸ شروع می‌کنم. با این حال، شما نه توسط طبیعت گناهکار، بلکه توسط روح کنترل می‌شوید.

بیشتر کتاب مقدس‌های شما این را با حرف بزرگ نوشته‌اند، که اشاره به روح القدس دارد. اگر روح خدا در شما ساکن است، و اگر کسی روح مسیح را ندارد، او از آن مسیح نیست، اما اگر مسیح در شماست، بدن شما به دلیل گناه مرده است، اما روح شما به دلیل عدالت زنده است. و اگر روح او که عیسی را از مردگان برخیزانید در شما ساکن است، او که مسیح را از مردگان برخیزانید، به بدن‌های فانی شما نیز از طریق روح خود که در شما ساکن است، حیات خواهد بخشید.

به عبارت دیگر، من فکر می‌کنم بخشی از آنچه در باب ۸ رومیان، در این زبان روح و حیات، و روح حیات بخش، اتفاق می‌افتد، احتمالاً این است که، به خصوص در باب ۸ آیه ۱۱، روحی که به بدن‌های فانی شما حیات می‌بخشد. به نظر من، این زبان، حزقیال ۳۷ را منعکس می‌کند. باز هم، در زمینه بازگرداندن قوم خود به سرزمین توسط خدا، این روایت جالب از دره استخوان‌های خشک و چگونگی جمع شدن استخوان‌ها و سپس ورود روح به آن و حیات بخشیدن به آنها را می‌خوانیم و آنها برمی‌خیزند.

من فکر می‌کنم پولس احتمالاً در اینجا با اشاره به روح حیات به این موضوع اشاره می‌کند. بنابراین، روحی که به بدن‌های فانی ما حیات می‌بخشد، نمادی از حیات خلقت جدید یا حیات رستاخیزی است که خود مسیح قبلاً تجربه کرده است و اکنون از طریق روح خدا به ما منتقل می‌شود. بنابراین، همان روحی که مسیح را از مردگان برخیزاند، همان روحی است که ما را نیز تجدید می‌کند و به ما حیات می‌بخشد؛ این حیات خلقت جدید است.

بنابراین، این امر اثرات گناه خلقت اولیه را معکوس می‌کند. در واقع، یک بار دیگر، گرگ بیل در الهیات عهد جدید خود می‌گوید، روح، روح القدس، وعده و آغاز خلقت جدید در زندگی قوم خداست. و باز هم، حتی حزقیال ۳۷ آن حیات خلقت جدید را با بازگشت به سرزمین، زمانی که خدا قوم خود را به سرزمین بازمی‌گرداند، مرتبط می‌کند.

، اگرچه آنچه در این متن، به ویژه در رومیان باب ۸، واضح است، جنبه‌ای هنوز فیزیکی نیست. یعنی خلقت نه تنها بدن‌های فیزیکی ما منتظرند، اگرچه اکنون در معرض مرگ هستند و هنوز منتظر رستاخیز فیزیکی هستند، بلکه حتی پولس می‌گوید خلقت نیز مانند بدن‌های فیزیکی ما منتظر رستگاری است. بنابراین، در باب ۸ و در آغاز آیه ۱۹، خلقت مشتاقانه منتظر آشکار شدن پسر خداست ۸.

زیرا خلقت نه به انتخاب خود، بلکه به اراده‌ی کسی که آن را مطیع خود ساخت، دستخوش بطالت شد، به این امید که خود خلقت از قید فساد رهایی یابد و به آزادی باشکوه فرزندان خدا درآید. ما می‌دانیم که تمام خلقت تا به امروز، همچون درد زایمان، آه کشیده است. نه تنها چنین است، بلکه خود ما نیز که نخستین ثمرات روح را داریم، از قبل وجود داریم، ما از قبل حیات خلقت جدید را تجربه می‌کنیم، نخستین ثمرات روح را داریم، اما هنوز نه، ما هنوز در درون خود ناله می‌کنیم، در حالی که مشتاقانه منتظر فرزندخواندگی خود، رهایی بدن‌هایمان هستیم.

بنابراین، رومیان ۸ تنش بین آنچه که «از قبل بوده اما هنوز نه» را نشان می‌دهد، و ما در حال حاضر حیات خلقت جدید را تجربه می‌کنیم. خلقت جدید به واسطه روح القدس که به ما حیات می‌بخشد، همان روحی که مسیح را از مردگان برخیزانید، از قبل تحقق یافته است. با این حال، ما هنوز منتظر رستگاری بدن‌هایمان هستیم. ما هنوز تا روزی که رستاخیز فیزیکی مانند مسیح را تجربه کنیم، ناله می‌کنیم.

اما نه تنها این، حتی اگر خلقت ناله کند؛ خلقت منتظر روزی است که در آن نیز رستگار خواهد شد، زمانی که اثرات سقوط و نفرین از پیدایش ۳ سرانجام معکوس می‌شوند. این فرآیند از قبل آغاز شده است، اما هنوز در انتظار تحقق نهایی در خلقت جدید، فصل‌های ۲۱ و ۲۲ مکاشفه، است. متن مهم دیگری که احتمالاً به خلقت جدید اشاره دارد و آن را پیش‌بینی می‌کند، و در واقع با خلقت اول در پیدایش ۱ و ۲ و ۳ نیز ارتباط دارد، اول قرن‌تیا ۱۵ است.

نمی‌خواهم وقتم را برای خواندن کل این بخش بگیرم، اما اول قرن‌تیا ۱۵، فقط موضوع این فصل، رستاخیز، مسیح و مؤمنان، ارتباط آن را با خلقت جدید عهد عتیق نشان می‌دهد. و همانطور که قبلاً دیده‌ایم، رستاخیز یکی از واقعیت‌های غالب بود که نشانگر ورود خلقت جدید بود. در اشعیا ۶۵ و جاهای دیگر، زندگی و ویژگی بارز خلقت جدید است، زمانی که مرگ شکست خواهد خورد.

و بنابراین، اول قرن‌تیا ۱۵، رستاخیز آن را به آغاز خلقت جدید مرتبط می‌کند. اما به ارتباط خاص آن با آدم نیز توجه کنید. در فصل ۱۵ از اول قرن‌تیا و آیه ۴۵، رستاخیز مردگان نیز چنین خواهد بود.

بدنی که کاشته می‌شود، فسادپذیر است؛ و برای جاودانگی برمی‌خیزد. در ذلت کاشته می‌شود و در جلال برمی‌خیزد. در ضعف کاشته می‌شود، در قدرت برمی‌خیزد.

طبیعی کاشته می‌شود، بدن روحانی برمی‌خیزد. اگر بدن طبیعی وجود دارد، بدن روحانی نیز وجود دارد. بنابراین، نوشته شده است که انسان، آدم، به یک موجود زنده تبدیل شد، آدم آخر، عیسی مسیح، به یک روح حیات‌بخش.

روحانی اول نیامد، بلکه طبیعی آمد، و پس از آن، روحانی. انسان اول از خاک زمین بود، انسان دوم از آسمان حال، بدیهی است که می‌توانیم در این مورد چیزهای زیادی بگوییم، اما نکته‌ای که می‌خواهم به سادگی بیان کنم این است که توجه داشته باشیم که خلقت اول و تأثیر گناه بر آن، اکنون در یک عمل خلاقانه جدید از طریق روح حیات‌بخشی که از طریق عیسی مسیح می‌آید، غلبه می‌کند.

بنابراین، عیسی مسیح با بخشیدن حیات از طریق رستاخیز خود، وضعیت پیش از باطل را احیا می‌کند. او بر اثر مرگ که توسط گناه آدم در خلقت اولیه به وجود آمده بود، غلبه می‌کند و آن را معکوس می‌سازد. و اکنون خود عیسی مسیح خلقت جدیدی را آغاز می‌کند.

بنابراین، دوباره، رستاخیز و حیات، احتمالاً به وعده حیات ابدی نیز برمی‌گردد، به خصوص در یوحنا و هر جای دیگر، وعده حیات در نهایت با حیات خلقت جدید مرتبط است و نشان می‌دهد که خلقت جدید از قبل آغاز شده است، اول از همه با رستاخیز مسیح، بلکه برای ما نیز به واسطه پیوستن به مسیح و رستاخیز او. یک متن، متنی که به وضوح به خود خلقت جدید اشاره دارد، در دوم قرن‌تیان، فصل ۵ و آیه ۱۷ یافت می‌شود. دوم قرن‌تیان ۵ و ۱۷ این را می‌گوید: اگر بتوانم به عقب برگردم و فقط ۱۶ را نیز بخوانم، از این به بعد، ما هیچ کس را از دیدگاه دنیوی در نظر نمی‌گیریم، اگرچه زمانی مسیح را اینگونه در نظر می‌گرفتیم، دیگر اینگونه نیستیم.

و این آیه‌ای است که می‌خواهم به آن توجه کنید: بنابراین، اگر کسی در مسیح باشد، خلقت تازه‌ای است؛ چیزهای کهنه رفته‌اند، چیزهای نو آمده‌اند. حال، این یک ترجمه نسبتاً استاندارد است: اگر کسی در مسیح باشد، او خلقت تازه‌ای است. مشکل این است که وقتی این را می‌خوانیم، اغلب مستعد تفسیر و خواندن آن منحصرأ به صورت فردگرایانه هستیم.

بنابراین، ما آن را اینگونه می‌خوانیم: خب، من در مسیح مخلوقی تازه هستم، من در عیسی مسیح خلقتی تازه هستم، مسیح مرا از نو آفریده و مخلوقی تازه ساخته است، و غیره و غیره. و من قطعاً نمی‌خواهم هیچ یک از این‌ها را انکار کنم، اما می‌خواهم برگردم و بپرسم که هدف این متن چیست؟ پولس چه می‌گوید؟ اول از همه، می‌خواهم توجه داشته باشید که به نظر می‌رسد اشاره بسیار روشنی به فصل ۶۵ اشعیا و اشاره به خلقت جدید وجود دارد، جایی که پیامبر می‌گوید، اینک، من آسمان‌های جدید و زمین جدید خواهم ساخت

او می‌گوید که در زمینه فراموش کردن چیزهای پیشین، به یاد نیابردن چیزهای پیشین، چیزهای پیشین از بین رفته‌اند، و اینک، من آسمانی جدید و زمینی جدید می‌آفرینم. توجه کنید که چگونه در آیه ۱۷، همین تضاد را می‌بینید؛ بنابراین، اگر کسی در مسیح باشد، خلقتی جدید است، و سپس بلافاصله می‌گوید، چیزهای کهنه رفته‌اند، چیزهای نو آمده‌اند. این تضاد درست از اشعیا فصل ۶۵ می‌آید.

آسمانی جدید و زمینی جدید دیدم، زیرا آسمان و زمینی اول از بین رفته بودند. و اکنون پولس همان تضاد را دارد، خلقتی جدید، زیرا کهنه رفته است، نو آمده است. به عبارت دیگر، من مطمئن هستم که پولس به فصل ۶۵ اشعیا اشاره می‌کند.

این باعث می‌شود فکر کنم اگر فصل ۵ و ۶ را بیشتر بخوانید، پولس شروع به نقل قول از تعدادی از متون عهد عتیق می‌کند، به خصوص در اواخر فصل ۶. او تعدادی متن، از جمله چند متن از اشعیا و جاهای دیگر را نقل می‌کند، که نشان می‌دهد اگرچه پولس کلمه به کلمه از اشعیا ۶۵ نقل قول نمی‌کند، اما قصد دارد شما به عقب برگردید و این را با توجه به اشعیا ۶۵ بخوانید. همچنین می‌خواهم توجه داشته باشید که اشعیا به یک مخلوق یا موجود جدید اشاره نمی‌کند، و بنابراین احتمالاً پولس به آن اشاره نمی‌کند، بلکه به یک ۶۵ خلقت جدید اشاره می‌کند. کمی بعد به این موضوع برمی‌گردم.

بنابراین، بودن در مسیح، به معنای عضویت در خلقت جدیدی است که توسط عیسی مسیح آغاز شده است. چرا پولس معتقد است که اگر کسی در مسیح باشد، او خلقت جدیدی است؟ به آیه ۱۵ از فصل ۵ برگردید. و او، مسیح، برای همه مُرد، تا کسانی که زنده‌اند دیگر برای خود زندگی نکنند، بلکه برای او که برای آنها مُرد و دوباره زنده شد، زندگی کنند. بنابراین، من فکر می‌کنم پولس یک بار دیگر می‌گوید که رستاخیز

عیسی مسیح، خلقت جدیدی را آغاز کرده است، و ما به دلیل پیوستن به عیسی مسیح، که رستاخیزش حیات خلقت جدید و از این رو خود خلقت جدید را آغاز کرد، بخشی از آن خلقت جدید هستیم.

بنابراین، پولس می‌تواند بگوید اگر کسی در مسیح باشد، او خلقتی تازه است. حال، این من را به آن عبارت در واقع این را NIV می‌خوانم، اما نسخه ۲۰۱۱ NIV می‌رساند: او خلقتی تازه است. من از نسخه اصلی به‌روز کرده است و چیزی شبیه به این می‌خواند: اگر کسی در مسیح باشد، خلقتی تازه وجود دارد.

در واقع، اگر یونانی بدانید و به متن یونانی این متن مراجعه کنید، به معنای واقعی کلمه این را می‌گوید: اگر کسی در مسیح باشد، خلقت جدیدی وجود دارد. این تمام چیزی است که می‌گوید. نمی‌گوید که او خلقت جدیدی است، اگرچه این می‌تواند درست باشد یا می‌تواند تلویحاً گفته شود، اما تمام چیزی که می‌گوید این است که اگر کسی در مسیح باشد، خلقت جدیدی وجود دارد.

بنابراین، من اینطور برداشت می‌کنم که منظور پولس این است که اگر کسی در مسیح باشد، اگر بتوانم آن را به طور خلاصه بیان کنم، اکنون به خلقت جدید تعلق دارد یا در آن شرکت می‌کند. اگر کسی در مسیح باشد، بخشی از خلقت جدید است. چرا؟ زیرا اگر آنها به مسیح تعلق دارند، آیه ۱۵، مسیح از مردگان برخاسته است، به این معنی که او حیات خلقت جدید را آغاز کرده است.

بنابراین، اگر من در مسیح هستم، پس من نیز به خلقت جدید تعلق دارم و در آن مشارکت می‌کنم. بنابراین این یک جمله‌ی فردگرایانه نیست. من یک مخلوق جدید هستم، یا مسیح مرا جدید ساخته است، یا چیزی شبیه به این.

اگرچه، باز هم، نمی‌خواهم در مورد صحت الهیاتی آنها بحث کنم. اما حداقل در اینجا، پولس یک بیانیه می‌گوید، به خلقت جدید NIV 2011 کیهان‌شناختی ارائه می‌دهد. اگر من در مسیح هستم، همانطور که آغاز شده تعلق دارم.

اگر کسی در مسیح باشد، در واقع می‌گوید خلقت جدیدی فرا رسیده است. بنابراین، نکته کلیدی، یک بار دیگر، اتحاد با مسیح در رستاخیز اوست که خلقت جدید را آغاز می‌کند. بنابراین، برای جمع‌بندی این متن من اینطور برداشت می‌کنم که خلقت جدید در دوم قرن‌تایان ۱۷:۵، آغاز خلقت جدید اشعیا در فصل ۶۵ اشعیا است.

پولس معتقد است که این خلقت از طریق مرگ و رستاخیز عیسی مسیح آغاز شده است و ما در آن خلقت جدید سهیم هستیم؛ اگر به مسیح تعلق داشته باشیم، به آن خلقت جدید تعلق داریم. بنابراین، خلقت جدید احتمالاً دارای ابعاد روحانی و جسمانی است. این در چارچوب آشتی خدا و یکدیگر است.

بنابراین، ما با خدا آشتی کرده‌ایم و با یکدیگر نیز آشتی کرده‌ایم. بنابراین از نظر روحانی، ما بخشی از یک واقعیت خلقت جدید هستیم، اما از نظر جسمی، خلقت جدید با رستاخیز جسمانی خود مسیح آغاز شده است. بنابراین، من فکر می‌کنم که ما هر دو بُعد روحانی و جسمانی خلقت جدید را در دوم قرن‌تایان ۱۷:۵ می‌یابیم. برای اینکه به متن دیگری که فکر می‌کنم به وضوح آغاز خلقت جدید را به تصویر می‌کشد، پردازیم، دوباره خلقت جدید را با نیت سرزمین مرتبط می‌کنم، که به خلقت اولیه مرتبط می‌شود.

من می‌بینم که همه اینها با هم کار می‌کنند. اما در افسسیان فصل ۲ و آیات ۱ تا ۷، می‌خواهم دوباره به زبان خلقت جدید گوش دهید، و سپس بعد از آیه ۷، از ادامه می‌گذرم و چند آیه دیگر را نیز می‌خوانم که امیدوارم آنها را تشخیص دهید، اما فکر می‌کنم برای این موضوع خلقت جدید بسیار مهم هستند. در مورد

شما، شما در گناهان و خطاهای خود که قبلاً در آنها زندگی می‌کردید، مرده بودید، زمانی که از راه‌های این جهان و از راه‌های رئیس پادشاهی هوا، روحی که اکنون در فرزندان نافرمانی عمل می‌کند، پیروی می‌کردید.

همه ما که زمانی در میان آنها زندگی می‌کردیم، هوس‌های طبیعت گناه‌آلود خود را ارضا می‌کردیم و از خواسته‌ها و افکار آن پیروی می‌کردیم. ما نیز مانند دیگران، ذاتاً مورد غضب بودیم، اما به خاطر محبت عظیم خود، خدایی که در رحمت غنی است، ما را با مسیح زنده کرد، حتی زمانی که در گناهان خود مرده بودیم. از راه فیض است که شما نجات یافته‌اید.

و خدا ما را با مسیح برخیزانید و در قلمروهای آسمانی در مسیح عیسی نشانید تا در اعصار آینده، غنای بی‌همتای فیض خود را که در مهربانی‌اش نسبت به ما در مسیح عیسی ابراز شده است، نشان دهد. بنابراین یک بار دیگر، به زبان زنده شدن، اگرچه مرده بودیم، توجه کنید، که مشخصه این جهان کنونی تحت تأثیر گناه در هبوط از پیدایش ۳ است. اگرچه ما مرده بودیم، خدا ما را زنده کرد، و یک بار دیگر، او این کار را با برخیزانیدن ما با مسیح یا سهمیم کردن ما در رستخیز خود انجام داده است، که قبلاً در آغاز خلقت جدید دیده‌ایم. و اگر این خود شما را متقاعد نمی‌کند، به آیه ۱۰ نگاه کنید.

فکر می‌کنم ما این را به شیوه‌ای خاص خوانده‌ایم، آنقدر که مفهوم آیه ۱۰ را از دست داده‌ایم، زیرا ما ساخته دست خدا هستیم که در مسیح عیسی آفریده شده‌ایم تا کارهای خوبی را که خدا از قبل برای ما آماده کرده است، انجام دهیم. بنابراین، ما برای کارهای خوب آفریده شده‌ایم؛ یعنی، کارهای خوب اکنون با تجدید شباهت خدا مرتبط هستند، که در عدالت و تقدس آفریده شده است.

فصل ۴ و آیات ۲۲ و ۲۴ افسوسیان نیز. به ارتباط بین خلقت اولیه و خلقت جدید توجه کنید. آیه ۲۲، به شما در مورد شیوه زندگی سابقان آموخته شده است که خود کهنه‌تان را که توسط امیال فریبنده‌اش فاسد شده است، از خود دور کنید، خود کهنه احتمالاً همان کسی است که ما در آدم هستیم، تا تازه شوید، به آن زبان تازگی توجه کنید، تا در نگرش ذهن خود تازه شوید و خود تازه را بپوشید، یعنی همان کسی که اکنون در مسیح هستیم، خود تازه، که آفریده شده تا در عدالت و تقدس واقعی مانند خدا باشد.

به عبارت دیگر، بخشی از خلقت جدید اکنون این است که خدا ما را آفریده است، و خدا اکنون ما را آفریده است تا زندگی خلقت جدید را در پارسایی و تقدس زندگی کنیم، تا زندگی‌ای را که برای قوم خدا در خلقت اول در نظر گرفته بود، زندگی کنیم. اکنون، او ما را تجدید می‌کند تا آن زندگی را در یک عمل تازه خلق شده زندگی کنیم. بنابراین، در فصل ۲ و آیه ۱۰، زیرا ما ساخته دست خدا هستیم که در مسیح عیسی آفریده شده‌ایم احتمالاً دوباره فقط این نیست که خدا ما را صرفاً برای انجام کارهای خوب آفریده است، بلکه احتمالاً این را باید در چارچوب خلقت درک کرد.

ما باید با زندگی مطابق فصل ۴ و آیات ۲۲ تا ۲۴، با زندگی در پارسایی و تقدس، که خداوند ما را برای آن آفریده است، ثمربخشی خلقت جدید را ایجاد کنیم. در همین راستا، به کولسیان فصل ۱ توجه کنید، و می‌خواهم یک بار دیگر به آن توجه کنید؛ فقط می‌خواهم چند بخش از کولسیان ۱ و همچنین کولسیان ۳ را بخوانم؛ می‌خواهم یک بار دیگر به چند متن یا چند بخش مربوط به زبان خلقت جدید توجه کنید. بنابراین کولسیان فصل ۱ و آیه ۱۵.

ما قصد داریم به برخی از این متون که به مضامین دیگر می‌پردازند، برگردیم. همانطور که چندین بار گفته‌ایم، جدا کردن این مضامین از یکدیگر غیرممکن است، وگرنه کل ماجرا از هم می‌پاشد، مانند کندن نخ‌ها از یک تکه پارچه و از هم پاشیدن کل آن. این‌ها به طرز جدایی‌ناپذیری با هم ترکیب شده‌اند و بسیاری از این مضامین را به هم پیوند می‌دهند.

بنابراین، همانطور که قبلاً اشاره کردیم، دوباره به برخی از این متون و به ویژه این مورد خواهیم پرداخت. اما آیه ۱۵ از فصل ۱، او، یعنی عیسی مسیح، صورت خدای نادیده است، نخست‌زاده بر تمامی آفریدگان. زیرا به وسیله او همه چیز آفریده شد، آنچه در آسمان و زمین است، دیدنی‌ها و نادیدنی‌ها.

من به همین جا بسنده می‌کنم، اما به زبان خلقت توجه کنید. عیسی مسیح اکنون تصویر خداست. آدم یک شریک بود که به تصویر خدا آفریده شده بود، اما اکنون مسیح خود تصویر و شباهت خدا و نخست‌زاده‌ی کل خلقت است.

یعنی، او تصویر واقعی خدا در آفرینش است. اما او همچنین کسی است که مسئول آفرینش است. او عاملی است که خدا از طریق او اولین آفرینش را به وجود آورده است.

به پژواک پیدایش ۱:۱ توجه کنید. در ابتدا، خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید. حال، پولس می‌گوید که همه چیز در آسمان و زمین توسط او یا در او آفریده شده است. بنابراین، عیسی در اولین عمل آفرینش دخیل است، اما به آیه ۱۸ توجه کنید.

و او سرِ بدن خود، یعنی کلیسا، است. او آغاز و نخست‌زاده از میان مردگان است. دوباره به آن عبارت رستاخیز توجه کنید.

به عبارت دیگر، پولس می‌گوید که عیسی نه تنها به عنوان تصویر خدا، کسی که تصویر واقعی خداست، به عنوان نخست‌زاده بر تمام آفرینش، آفرینش اول، بخشی از آفرینش اول است، بلکه در آیه ۱۸، او همچنین مسئول آغاز دوباره آفرینش جدید با رستاخیز خود است. او نخست‌زاده از مردگان است. رستاخیز او آفرینش جدیدی را آغاز می‌کند.

فکر می‌کنم در کولسیان فصل ۳ و آیات ۹ و ۱۰، زبان خلقت بیشتری را مرتبط با مسیح می‌یابیم. پس به یکدیگر دروغ نگوئید، زیرا خودِ قدیمی‌تان را با اعمالش از خود دور کرده‌اید. باز هم، بدون اینکه وارد جزئیات زیادی شوم، خودِ قدیمی احتمالاً همان کسی است که من در آدم هستم.

خودِ قدیمی، بخشی از وجود من یا، آنطور که برخی ترجمه‌ها می‌گویند، طبیعت گناه‌آلود من یا بخشی از من که گناه می‌کند یا چیزی شبیه به آن نیست. من فکر می‌کنم خودِ قدیمی، تمام وجود من است، همانطور که متعلق به آدم است، همانطور که تحت کنترل گناه، تحت اقتدار آدم، تحت اسارت گناه، تمام خودِ من در آدم است. پولس در فصل ۳ و آیه ۹ می‌گوید، آن خودِ قدیمی را از خود جدا کرده‌اید، و در آیه ۱۰، و خودِ جدید را پوشیده‌اید.

حال، خودِ تازه هر آن چیزی است که من در مسیح هستم، متعلق به مسیح و تحت حکومت و اقتدار مسیح بودن. شما خودِ تازه را پوشیده‌اید، اما به آنچه پولس می‌گوید توجه کنید، که در حال نو شدن در شناخت به تصویر خالق خود است. بنابراین، دوباره به زبان خلقت توجه کنید.

بنابراین آنچه پولس بار دیگر می‌گوید این است که به موجب مرگ و رستاخیز عیسی، عیسی، به عنوان تصویر واقعی خدا، اکنون آنچه را که در وهله اول، در پیدایش ۱ و ۲، قصد خدا برای بشریت بود، اما به دلیل گناه خنثی شد، به انجام رسانده است. اکنون، عیسی مسیح، به عنوان تصویر واقعی خدا، آمده است تا خلقت را تجدید و احیا کند، و اکنون، به موجب تعلق به مسیح، تصویر نیز در ما تجدید می‌شود. باز هم آیه ۱۰ می‌گوید که خودِ جدید را بی‌پوشیم، که در شناختِ تصویر خالق خود تجدید می‌شود.

فکر می‌کنم این اشاره مستقیمی به فصل اول سفر پیدایش است. بنابراین، یک بار دیگر، ما در تصویر خالق که خداست، تجدید می‌شویم، که در درجه اول در شخص عیسی مسیح منعکس شده است، به طوری که در خلقت جدید، در حالی که حاملان تصویر هستیم، وظیفه خلقت اول را که اکنون در یک خلقت جدید آغاز شده است، انجام می‌دهیم. و ما این کار را به واسطه تعلق به مسیح انجام می‌دهیم. و یک بار دیگر، به نظر می‌رسد فرض این است که تنها با اتحاد با مسیح، که تصویر واقعی خداست، همانطور که در فصل اول آیه ۱۵ آمده است، تصویر می‌تواند در ما تجدید شود.

تنها به واسطه‌ی حامل تصویر حقیقی خدا، عیسی مسیح، است که فرمان آدم و هدف خدا برای خلقت اولیه می‌تواند اکنون در ما تحقق یابد. بنابراین، آنچه برای پولس نیز مهم است، و من می‌خواهم توجه را به آن جلب کنم، این است که این موضوع برای پولس فقط جنبه‌ی نظری ندارد. این فقط الهیات پولس در مورد خلقت جدید و تحقق آن و چگونگی تحقق خلقت جدید در مسیح نیست.

اما می‌خواهم توجه داشته باشید، به خصوص در کولسیان، و همچنین در متن افسسیان و متن رومیان که می‌خوانیم، مفاهیم خلقت جدید در یک زمینه اخلاقی قرار گرفته‌اند. واقعیت خلقت جدید حیات رستخیز مسیح، امکان زیستن در حیات خلقت جدید را فراهم می‌کند. یعنی زیستن در زندگی پارسایی و تقدس طبق افسسیان فصل ۴. بنابراین، واقعیت خلقت جدید، آغاز خلقت جدید، دقیقاً به این منظور است که ما نتوانیم طبق ارزش‌ها و نگرش‌های خلقت قدیم زندگی کنیم، بلکه در عوض، می‌توانیم ارزش‌ها و نگرش‌ها را در حیات خلقت جدید زیست کنیم.

به یاد داشته باشید، در رومیان باب ۶، ما برانگیخته شده‌ایم تا در تازگی حیات گام برداریم. در افسسیان باب ۴ و اکنون در کولسیان باب ۳ دیدیم که هدف اصلی خلقت جدید این است که ما زندگی خلقت جدید را تجربه کنیم. اینکه ما زندگی‌هایی را تجربه کنیم که ثمربخشی خلقت جدید را نشان دهد.

در واقع، گرگ بیل در چندین زمینه، زبان ثمربخشی در عهد جدید، زبان ثمربخشی را تا حد اخلاق، مانند میوه روح در غلاطیان ۵، مرتبط کرده است. او این را به ثمربخشی خلقت جدید مرتبط کرده است. چه این کار از جانب پولس عمدی باشد و چه نباشد، حداقل در آن متون خاص، پولس واقعیت‌های خلقت جدید را در یک زمینه اخلاقی قرار می‌دهد. وقتی فهرست رذایل و فضایل را در کولسیان و افسسیان می‌خوانیم، وقتی پولس این فهرست‌های طولانی از اجتناب از این و این و این را دارد، در کولسیان ۳ می‌گوید، هر آنچه را که متعلق به طبیعت زمینی شماست، از جمله فساد جنسی، ناپاکی، شهوت، امیال شیطانی، طمع، که بت‌پرستی است، به قتل برسانید.

و سپس، او می‌گوید، همانطور که قوم برگزیده خدا شفقت، مهربانی، فروتنی، ملایمت و صبر را به تن می‌کنند. پولس چه می‌کند؟ این صرفاً فهرستی از بایدها و نبایدها برای قومش نیست. او صرفاً فهرست رذایل و فضایل رایج روز را به عاریت نمی‌گیرد.

اما اینها در متن خلقت جدید قرار می‌گیرند. یعنی تنها در پرتو خلقت جدید است که ما قادر به زیستن این چیزها هستیم. در واقع، اگر خلقت جدید از راه برسد، ما نمی‌توانیم جلوی تولید ثمرات خلقت جدید را بگیریم.

و من نمی‌توانم دلیل بهتری برای دنبال کردن این‌ها، اجتناب از این نوع رذایل و دنبال کردن این فضایل تصور کنم. نمی‌توانم دلیل بهتری از این واقعیت تصور کنم که این، نشان دهنده واقعیت این واقعیت است که خلقت جدید از قبل در شخص عیسی مسیح، بلکه در قوم او که متعلق به او هستند، از راه رسیده است. تاکنون، ما در انجیل‌ها و در ادبیات پولس دیده‌ایم که خلقت جدید به یک معنا، از طریق خدمت خود

عیسی، ارائه زندگی او، رستاخیز خود او، و سپس با سهیم شدن ما در رستاخیز مسیح و در زندگی رستاخیز مسیح، آغاز شده است و سپس ما در خلقت جدید شرکت می‌کنیم.

اما این امر پیامدها و عواقب اخلاقی دارد. این فقط یک واقعیت الهیاتی نیست که ما از آن لذت ببریم یا ادعا کنیم، بلکه چیزی است که ما را برمی‌انگیزد تا زندگی را به پایان برسانیم، تا ثمربخشی خلقت جدیدی را که از قبل در عیسی مسیح آغاز شده است، به بار آوریم.

من دکتر دیو متیوسون هستم در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد الهیات عهد جدید. این جلسه ۴، خلقت سرزمین، تفریح در عهد جدید، بخش ۱ است.